

ضرورت و راهکارهای حمایت از میراث فرهنگی معنوی در مخاصمات مسلحانه

مریم شاهی زارع*
مصطفی تقی زاده انصاری**
اسماعیل شاهسوندی***

تاریخ تأیید: ۱۳۹۹/۳/۱۶

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۸/۲۴

چکیده

در جنگ، افراد نه تنها از لحاظ جسمی، بلکه بر حسب هویت فرهنگی آسیب پذیر هستند، و امحاء میراث فرهنگی اغلب موضوع اصلی می شود. این امر به خصوص در مخاصمات مسلحانه داخلی نمود پیدا می کند. امروزه میراث فرهنگی دیگر بر پایه جنبه مادی خویش تعریف نمی شود، که عمدتاً توسط حقوق مخاصمات مسلحانه حمایت می شود. در مخاصمه مسلحانه جنبه ناملموس میراث فرهنگی نیز در معرض نابودی قرار می گیرد و به نظر می رسد که حقوق مخاصمات مسلحانه نمی تواند به طور مؤثری از این میراث حمایت کند. هدف این مقاله این است که نشان دهد میراث فرهنگی هم ملموس و هم معنوی است، و حقوقی که از چنین میراثی حمایت می کند، محدود به حقوق مخاصمات مسلحانه نیست. این میراث از حمایت سایر اسناد کاربردی، مانند معاهدات حقوق بشری و کنوانسیون های میراث فرهنگی یونسکو نیز بهره مند می شود.

واژگان کلیدی: حقوق مخاصمات مسلحانه، حقوق بشر، کنوانسیون های یونسکو، میراث فرهنگی ناملموس، مخاصمات مسلحانه داخلی.

۳۲۷

حقوق اسلامی / سال هفدهم / شماره ۶۷ / زمستان ۱۳۹۹

* دانشجوی دکتری رشته حقوق بین الملل عمومی دانشگاه آزاد واحد تهران شمال (mshahizareh@yahoo.com).

** استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال/ نویسنده مسئول (tansariir@yahoo.com).

*** استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال (es.shahsavandi@ymail.com).

مقدمه

در سپتامبر ۱۹۱۴م، یک ماه پس از شروع جنگ جهانی اول، کلیسای جامع ریمز (Reims Cathedral) در فرانسه در حمله‌ای به شدت بمباران شد. در ماه جولای ۲۰۱۴، مساجد و اماکن مقدس در عراق از جمله آرامگاه یونس پیامبر همراه با سایر اموال فرهنگی نابود شدند. در هر دو مورد، میراث فرهنگی و مذهبی مردم تحت تأثیر این مخاصمات بود. آنها با تخریب مکان‌های عبادت، مانع از برگزاری مراسم مذهبی، عبادی و سنت‌های مردم شدند، در نتیجه هر دو میراث ملموس و ناملموس آسیب دیدند. یک قرن این دو رویداد را از هم جدا می‌کند، دوره‌ای که درگیری‌های زیادی دیده شده است که ماهیتشان پیوسته در روابط طرفین درگیری و مبنای درگیری تغییر پیدا کرده است. در قرن حاضر تحول عمده‌ای در علوم و تکنولوژی دیده می‌شود، همچنین در کاربرد تجهیزات نظامی، که بیشتر پیچیده و دقیق شده‌اند؛ توسعه مهمی مشاهده می‌شود. در واقع، در حالی که در سال ۱۹۱۴ حقوق میراث فرهنگی محدود به چند قاعده جنگ بود، در حال حاضر حقوق مخاصمات مسلحانه وجود دارد که مجموعه وسیعی از قواعدی را ارائه می‌دهد که از میراث فرهنگی در ابعاد مختلف آن حمایت می‌کند.

حوادث اخیر در سوریه، در پی وقوع تحولات مشابه در عراق و مالی، تناقضی را نشان می‌دهد که این گونه درگیری‌ها در حال حاضر برای حمایت از میراث فرهنگی ایجاد می‌کنند. اجزای بی‌نظیر میراث این کشورها - بیشتر آنهایی که در فهرست میراث جهانی یونسکو ثبت شده‌اند - عمدتاً نابود شده‌اند، اگرچه حقوقی که امروزه برای آنها اعمال می‌شود، یک چهارچوب هنجاری بی‌نظیری برای حمایت آنها در این شرایط فراهم کرده است. تخریب آرامگاه یونس پیامبر و طاق نصرت در پالمیرا (سوریه)، مسلماً ویژگی عمده گروه دولت اسلامی از تخریب میراث این کشورها را مطرح می‌کند. به نظر می‌رسد چنین اقداماتی، نیت اعضای آن را، نه تنها در نابودکردن گذشته سرزمین برای همیشه، بلکه زدودن همه آثار هویت معنوی و فرهنگی جمعیت مورد نظر را منعکس می‌کند. این چالش بزرگ جامعه بین‌المللی است؛ زیرا حاکی از امتناع اجرای قواعدی است، که بسیاری از آنها - با هدف حمایت از میراث فرهنگی در مخاصمات مسلحانه - اکنون جایگاه قواعد عرفی را دارند.

حقوق مخاصمات مسلحانه، صراحتاً حمایت از اموال فرهنگی - یعنی میراث فرهنگی عمدتاً «ملموس» را از طریق کنوانسیون ۱۹۵۴ لاهه تنظیم می‌کند. این سند اندکی بعد از جنگ جهانی

دوم تصویب شد و اقداماتی که حقوق بایستی برای جلوگیری از تکرار تخریب و غارت بی سابقه میراث فرهنگی در مخاصمات مسلحانه پیش‌بینی کند، را درج کرده است. این سند خلأهای بزرگی را در چهارچوب تنظیمی قبلی پر کرد. تنها کنوانسیون بود که منحصرأً به اموال فرهنگی اختصاص داشت. باین‌حال، تأثیر کنوانسیون برای حمایت از میراث فرهنگی در معرض مخاصمات مسلحانه معاصر، که نیز شامل بعد «ناملموس» آن است، ناکافی بود.

در واقع، بعد «ناملموس» میراث فرهنگی نمی‌تواند صرفاً طبق کنوانسیون ۱۹۵۴ لاهه حمایت شود. بدین‌منظور، اسناد دیگری اعم از حقوق مخاصمات مسلحانه یا سایر رژیم‌های حقوقی مانند حقوق بین‌المللی بشر، کنوانسیون‌های متعدد یونسکو در حمایت از میراث فرهنگی یا اسناد حقوقی پیشرفته توسط سازمان بین‌المللی کار یا حتی سازمان مالکیت معنوی جهانی باید اعمال شوند.

در اینجا علاوه بر جنبه‌های مختلف میراث فرهنگی، انواع مختلف آسیبی که ممکن است به چنین میراثی وارد شود باید مورد تأکید قرار بگیرد. چنین آسیبی به‌طور قابل توجهی بستگی به مراحل مخاصمه مسلحانه دارد. ناپدیدشدن آداب و رسوم مذهبی در اماکن مقدس تیمبوکتو در جنگ مالی در سال ۲۰۱۲ یکی از این موارد آسیب به میراث فرهنگی ناملموس است. هدف این مقاله نشان‌دادن بهره‌مندی میراث فرهنگی به عنوان یک کل از حمایت‌های حقوقی در همه مراحل درگیری مسلحانه صرفنظر از ویژگی‌های آن می‌باشد. این دنبال می‌شود با بحث در مورد حقوق قابل اجرا در حمایت از میراث فرهنگی چه هنگام مخاصمه و چه زمانی که تحت کنترل نیروهای دشمن است. چنین چهارچوب حقوقی متشکل از حقوق مخاصمه مسلحانه و سایر هنجارهای تأیید شده در اسناد حقوق بشری و کنوانسیون‌های میراث فرهنگی یونسکو می‌باشد. سؤالاتی که در اینجا مطرح می‌شود در مورد انواع آسیب‌ها به میراث فرهنگی ناملموس و مقایسه آنها با جنبه ملموس، همچنین چگونگی حمایت از این میراث در همه مراحل مخاصمه مسلحانه می‌باشد. ساختار مقاله از نوع توصیفی - تحلیلی است.

۱. تاریخچه حمایت از میراث فرهنگی معنوی در مخاصمه مسلحانه

اموال فرهنگی بیش از اینکه اموال منقول یا غیرمنقول، ملموس یا ناملموس باشند، یک باور همیشه پویا هستند که با زمان و مکان تغییر می‌کنند. عجیب نیست که اجماع واقعی در مورد اینکه

چه چیزهایی اموال فرهنگی را تشکیل می‌دهند، وجود ندارد؛ چون عبارات مبهم زیادی این تعریف را به چالش می‌کشند (Arimatsu and Choudhury, 2015, p.647).

در این اموال، ارزش به اشکال زیبانشناختی، سمبولیک، مالی، علمی یا ترکیبی از این عوامل است که دائماً تشکیل یا بازسازی می‌شود، مورد چالش قرار می‌گیرد، بنابراین از آنجاییکه چگونگی معنای اموال فرهنگی در تکرر فرهنگی بوده، اهداف اساسی حقوق اموال فرهنگی نیز به تکرر فرهنگی گرایش دارد (Bhat, 2001, 3).

از این بحث‌ها می‌توان به این نتیجه رسید که میراث فرهنگی نه تنها شامل میراث ملموس که مشتمل بر محوطه‌ها، بناها و بقایای باستان‌شناسی دارای ارزش تاریخی، مذهبی، فرهنگی یا زیبانشناختی می‌باشد، بلکه میراث ناملموس نیز جزء آن بوده و شامل سنت‌ها، رسوم و عادات، باورهای زیبانشناختی و معنوی، زبان مادری یا قومی و دیگر زبان‌ها، بیان معنوی، فرهنگ قومی یا رسوم اجدادی می‌باشد.^۱ به عبارت دیگر، میراث فرهنگی محدوده گسترده‌ای از اجزاء از جمله جزء ناملموس می‌باشد. پس عبارت «اموال فرهنگی» نه تنها شامل اموال غیرمنقول بلکه اموال ناملموس، حداقل در حقوق داخلی کشورها می‌باشد (FRIGO 2004, vol.86, p.369). در سال ۱۹۷۹ مقارن با اعلام سال میراث فرهنگی در فرانسه، وزیر فرهنگ و ارتباطات وقت فرانسه اعلام کرد که اموال و میراث فرهنگی دیگر سنگ‌ها یا شیشه‌های بی‌جان و مرده که ما را از اشیاء در موزه‌ها جدا می‌کند، محسوب نمی‌شود، بلکه لهجه‌های محلی، مهارت‌ها، تکنیک‌ها، زبان، سنت‌های شفاهی و کتبی و اموال و بناهای ظاهراً کم اهمیت را نیز در بر می‌گیرد (حسینی اکبرنژاد، ۱۳۹۰، ص ۲۵۲).

کمیته ملل متحد در حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی به منظور اجرای ماده ۱۵ (الف)^۲ فرهنگ را، شیوه‌های زندگی، زبان، ادبیات شفاهی و مکتوب، موسیقی و آهنگ، ارتباطات غیرکلامی، نظام مذهبی یا اعتقادی، آیین‌ها و مراسم، ورزش و بازی‌ها، شیوه‌های تولید یا تکنولوژی، محیط طبیعی و ساخته بشر، غذا، پوشاک، سرپناه، آداب و رسوم و سنت‌هایی که افراد،

1. Promotion and protection of all human rights, civil, political, economic, social and cultural rights, including the right to development , Human Rights Council Thirty-first session, 3 February 2016

۲. تفسیر کلی سال ۲۰۰۹، شماره ۲۱ کمیته ملل متحد در حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی با اشاره به دامنه و کاربرد زندگی فرهنگی، فضای زیادی به اموال فرهنگی ناملموس می‌دهد.

گروه‌ها و جوامع بشری ابراز می‌کنند و مفهومی که آنها به هستی خویش می‌دهند در نظر می‌گیرد. این توضیح فضای زیادی را به اموال ناملموس می‌دهد.^۱

همچنین ماده ۲ کنوانسیون حمایت از میراث فرهنگی ناملموس یونسکو (۲۰۰۳م)، میراث فرهنگی ناملموس را اینچنین تعریف می‌کند:

آداب و رسوم، نمایش، جلوه‌ها، دانش، مهارت‌ها، ابزار، اشیاء، موضوعات و فضاهای فرهنگی مرتبط با جوامع، گروه‌ها و در برخی موارد افراد را به عنوان بخشی از میراث فرهنگی به رسمیت می‌شناسد. این میراث فرهنگی ناملموس، از نسلی به نسلی منتقل می‌شود، توسط جوامع و گروه‌ها پیوسته در پاسخ به محیط و تعامل با طبیعت و تاریخ بازسازی می‌شود، و برای آنها حس هویت را فراهم می‌کند و باعث احترام به تنوع فرهنگی و خلاقیت بشری می‌شود.

این شامل سنت‌ها و عبارات شفاهی، زبان، هنرهای نمایشی، آداب و رسوم اجتماعی، آیین‌ها، جشنواره‌ها و صنایع دستی سنتی می‌باشد (Ahmad, 2006, p.298); بنابراین میراث فرهنگی مفهوم بسیار گسترده‌ای دارد که دربرگیرنده مناظر طبیعی، محوطه‌های باستان‌شناسی و محیط زیست ساخته شده و به موازات آن، رفتارهای علمی و فرهنگی می‌باشد که با مقوله توسعه پایدار و مدیریت گردشگری ارتباط تنگاتنگی دارد. در کشور چین، به دلیل توسعه گردشگری روستایی شمار زیادی از میراث فرهنگی روستایی مخصوصاً صنایع دستی سنتی و میراث شفاهی حفظ شده و بیشتر گسترش یافته‌اند (نعیمی و دیگران، ۱۳۹۷، ص ۱۲) زبان نیز در کنار عوامل هویت بخش دیگری چون سرزمین، دین، نژاد و تاریخ قرار داشته و نقش هویت بخشی را درون جوامع و بین کاربران آن ایفاء می‌کند. زبانها علاوه بر اینکه یکی از مهم‌ترین نمادهای میراث بشری هستند، در دل خود نیز بخش‌هایی از میراث ناملموس جوامع را جای داده‌اند (ایوبی، ۱۳۹۵، ص ۳۱).

در ضمن دانش بومی بخشی از سرمایه ملی هر اجتماع و دربرگیرنده باورها، ارزش‌ها، روش‌ها و آگاهی مردم است. همچنین قرین با فرهنگ هر منطقه بوده، در طول سالیان دراز توسعه و تکوین یافته و تحت تاثیر عوامل متفاوت از جامعه شکل گرفته است. این داشته‌ها، باورها، مهارتها، ابزارها و روش‌های یک گروه اجتماعی یا ملت نمونه‌ای شاخص از میراث ناملموس بشری شناخته

1. "Law as a mean of International cooperation for the protection of Cultural Heritage", p. 11, available at: <www.ohchr.org/Documents/Issues/CulturalRights/DestructionHeritage>, last seen: 2019/9/12.

می‌شود (رحیم‌نیا، ۱۳۹۴، ص ۱۴۷) جالب است اشاره شود که دولت مقدونیه یکی از نمونه‌های اندکی می‌باشد که خواهان حفظ میراث از طریق برنامه‌هایی بود که روی سنت‌های شفاهی و موسیقی تمرکز داشت (J. Timothy and P. Nyaupane, 2009, p.237).

تعهد حمایت از میراث فرهنگی در مخاصمه مسلحانه قبل از تصویب هر مقرراتی مورد توافق دولت‌ها بود. ممنوعیت حمله به یک محوطه، ساختمان یا شیء در چنین شرایطی از دستورات مقامات مذهبی یا روحانی نشأت گرفته شده است.^۱ این پدیده در بسیاری از تمدن‌هایی که در تاریخ بشری شکل گرفته اند، یافت می‌شود.

باتوجه به فعالیت‌های صورت گرفته در مخاصمه مسلحانه، به ویژه در دوره مخاصمه فعال، که می‌تواند منجر به تخریب یا سوزاندن اموال شود، حمایت از میراث فرهنگی بیشتر بر ساختمان‌ها تمرکز داشت که سمبل و نماد ارزش‌هایی برای حفظ شدن بودند، یا مراسم، جشنواره‌ها و آیین‌های ماندگار، همراه با وسایل و ابزار لازم برای اجرای آنها مورد حمایت قرار می‌گرفتند؛ بنابراین ممنوعیت آسیب به چنین اموالی در محتوی اجراء شد، اما هدف اغلب حفظ محتوی آن هم بود.^۲ بنابراین میراث فرهنگی، یک کل را تشکیل داده که متشکل از میراث ملموس و عناصر ناملموس است. میراث ناملموس به مردم متأثر از جنگ زندگی می‌بخشد و انتقال و اجزای هویت فرهنگی آنها را تضمین می‌کند.

ممنوعیت آسیب به میراث فرهنگی قرن‌ها است که در دنیا به ارث گذاشته شده است. شواهد آن در غرب حمایتی است که اغلب به محوطه‌های مقدس باستانی مدیترانه، یا معابد و کلیساهای مسیحی در سراسر امپراطوری روم و نقاط دیگر اعطاء شده است. همان طور که سیسرو (Cicero) تأکید کرد؛ ضرورت نظامی برای تخریب محوطه‌های باستانی وجود ندارد (Johannot-Gradis, 2015, p.1257) در قرون وسطی، حمایت از چنین اموالی بیشتر رسمی شد. به ابتکار کلیسای مسیحی در اروپا، اقدامات مختلفی که مورد احترام متخصصین بود، تصویب شد و در سوگندهای شوالیه‌ها یا دستورات رهبران نظامی قبل از ورود به جنگ امضاء شد، این توافق را تحمیل کرد آنچه

۱. در یونان باستان، محوطه‌های مقدس مانند دلفی، دلوز و کوه المپیوس در مخاصمه مسلحانه مصون بودند. هیچ اقدام خصمانه در این محوطه‌ها مجاز نبود، و دشمنان فراری می‌توانستند در آنجا پناه بگیرند. این ممنوعیت مبانی معنوی و مذهبی داشت، و قواعد مشابهی در تمدن‌های زیادی یافت می‌شود.

2. <available at: www.icrc.org/eng/resources/documents/article/other/65shtj.htm> , last seen: 2019/7/25

که مقدس است باید حفظ شود، خواه ملموس، ناملموس یا انسان باشد، و نیز ممنوع کرد (در رابطه با اهداف اصلی یک مخاصمه) تخریب غیرضروری اموال متعلق به غیر نظامیانی که در مخاصمه شرکت نداشتند. با رنسانس، هنگام ایجاد دولت‌های ملی، آثار هنری - از جمله آنهایی که ویژگی مقدسی نداشتند - همچنین بناها، نظیر آثار و اموال تاریخی که نماد ارزش‌های ملی و تاریخی بودند، به قلمرو چنین اشیای مورد حمایتی اضافه شدند.

این قواعد، عرف‌های جنگ را تشکیل می‌دادند و اغلب در توافق نامه‌های بین متخصصین تصریح شده بود، مقررات الزام‌آور جهانی تا پایان قرن نوزدهم نوشته نشده بود. در آن زمان، بسیاری از کنفرانس‌های بین‌المللی برگزار شده بودند - در سنت پترزبورگ (۱۸۶۸م) و در بروکسل (۱۸۷۴م) - که با اعلامیه‌ها یا پیش‌نویس کنوانسیون‌هایی به اوج خود رسیده بودند.^۱ در سال ۱۸۹۹ دولت‌ها به‌طور رسمی اولین معاهدات در حقوق جنگ را تصویب کردند، که برخی تعهدات الزام‌آور مخصوصاً در رابطه با میراث فرهنگی تجویز می‌کرد. اینها کنوانسیون‌های لاهه ۱۸۹۹ بودند، که در سال ۱۹۰۷ مورد بازبینی قرار گرفتند. در حالی که قواعدی که آنها تجویز کردند، به اموال ملموس اشاره می‌کرد - «ساختمان‌هایی که به مذهب، هنر، علوم، یا اهداف خیرخواهانه اختصاص یافته است» - جزء ناملموس نیز در آنها مشهود است، حتی اگر فقط به‌صورت ضمنی به آن اشاره شده بود.^۲ پس، در کنوانسیون چهارم ۱۹۰۷ لاهه در رابطه با قواعد و عرف‌های جنگ زمینی، و مقررات الحاقی به آن (مقررات لاهه ۱۹۰۷م)، به‌طور قطعی درج شده است که اجزای میراث فرهنگی باید حفظ شود. طبق مقررات آن، میراث مورد بحث هم ملموس و هم ناملموس هستند (Johannot-Gradis, 2015, p.1258). اینها اسنادی بودند که بر دو مخاصمه بزرگی که در قرن بیستم جهان را ویران کرد، حاکم بودند، اما بعد از جنگ جهانی دوم حقوق مخاصمه مسلحانه دستخوش تحول بزرگی شد، به ویژه با تصویب کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو، که با دو پروتکل الحاقی در سال ۱۹۷۷ تکمیل شد. کنوانسیون ۱۹۵۴ این سند را تکمیل کرد، که حمایت کامل به اموال فرهنگی داد و به نوبه خود به پروتکل‌های ۱۹۵۴ و ۱۹۹۹ منتج شد. این متن حقوقی تنها به حفظ اجزای ملموس میراث فرهنگی محدود نمی‌شد. در واقع، بسیاری از قواعد

۳۳۳

1. The 1868 Declaration of Saint Petersburg or the 1874 Brussels Declaration.
2. Article 27 of the Regulations Annexed to the 1907 Hague Convention (IV) Respecting the Laws and Customs of War on Land, 18 October 1907 (1907 Hague Regulations).

حقوقی در مخاصمه مسلحانه به ویژه در رابطه با کنوانسیون ۱۹۴۹ ژنو به حمایت از بعد ناملموس این میراث کمک می‌کنند (کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو و پروتکل‌های الحاقی در حمایت از افراد در رابطه با کرامت انسانی و رفاه فیزیکی و به‌خصوص، هویت فرهنگی و معنوی آنها بحث می‌کنند؛ در چنین اقدامی آنها نیز به تضمین حفاظت از میراث فرهنگی «زنده» جمعیت مورد نظر کمک می‌کنند) (Geneva Convention (IV) 21 October 1950). چنین حمایتی نیز در رژیم‌های حقوقی مختلف مانند معاهدات حقوق بشری و کنوانسیون‌های متعدد یونسکو وجود دارد که در مورد حمایت از میراث فرهنگی تصویب شده است. این مقررات، باهم تشکیل یک متن حقوقی را می‌دهند که به صراحت حمایت از دو بعد میراث فرهنگی، ملموس و ناملموس را تضمین می‌کنند. اکنون حوزه این چهارچوب هنجاری، میراث فرهنگی را در تمامیت آن را پوشش می‌دهد و دیگر به تنهایی محدود به اموال فرهنگی ملموس نیست (Christiane Johannot-Gradis, 2015, p.1259).

۲. حمایت صریح از میراث فرهنگی ناملموس در اسناد بین‌المللی

حمایت از تنوع فرهنگی و ترویج تکثر فرهنگی، از طریق حفظ میراث فرهنگی ملموس و ناملموس جوامع و حمایت از حقوق بشر و آزادی‌های اساسی، چیزی فراتر از یک ضرورت فرهنگی است. یک ضرورت امنیتی و بشردوستانه در جنگ و موقعیت‌های گذر، و یک جزء اساسی در تضمین صلح و توسعه پایدار است. مشارکت و دسترسی به فرهنگ و میراث ناملموس باعث انعطاف بیشتر مردم می‌شود (Strategy for Reinforcing UNESCO's Action..., 2019).

اموال فرهنگی ناملموس لازم است به چند دلیل توسط کنوانسیون‌ها حمایت شوند: نخست خلاقیت‌های فکری بخش قابل توجه میراث فرهنگی مردم بوده و بازتاب واقعی فرهنگ هستند. دوم: اموال ناملموس توسعه اجتماعی را تسهیل می‌کنند؛ زیرا هر کار فکری ابعاد یک جامعه را بیان می‌کند. سوم: از اموال فرهنگی ناملموس پاسخ مشابه ملی‌گرایی فرهنگی مانند اموال ملموس استنباط می‌شود (A. Berryman and others, 1994, p.328). در نهایت اموال فرهنگی بخشی از میراث مشترک بشریت را تشکیل می‌دهند و به همین ترتیب، استحقاق حمایت از تخریب، مشابه

حمایت اعطایی به اموال فرهنگی ملموس هستند.^۱

لازم به ذکر است که حفظ میراث فرهنگی ناملموس به مدت طولانی نادیده گرفته شد، اگرچه اولین گام در این راستا در سال ۱۹۷۳ بود، زمانی که نماینده دائمی بولیوی پیشنهاد کرد یک پروتکل به کنوانسیون کپی‌رایت به منظور حمایت از فرهنگ قومی اضافه شود. این پیشنهاد موفق نبود، اما به گنجانیدن جنبه‌های ناملموس در داخل محدوده میراث فرهنگی کمک کرد (The Interdependency of the Tangible..., 2019). گرایش به گسترش گونه‌شناسی اموال حمایت شده بر اساس هویت فرهنگی آنها در اسناد زیادی تأیید شده است (منشور پالرمو ۱۹۹۰م، اعلامیه تلاکسانا ۱۹۸۲م، توصیه‌نامه پاریس ۱۹۸۹م).^۲

از اسناد جالب در این مورد منشور بورا (The Burra Charter ICOMOS, 1982) است، در این سند آمده است، حمایت از اهمیت فرهنگی یک محوطه، ناشی از ارزش زیباشناختی، تاریخی، علمی یا اجتماعی آن می‌باشد. بر طبق این رویکرد، میراث فرهنگی ناملموس باعث شناسایی ارزش‌های خاصی در بشر می‌شوند که بایستی حمایت شوند. این گزینش، بیش از یک قرن بر اساس کیفیت ذاتی شیء صورت می‌گرفت، در حالیکه اکنون در توانایی و قدرت بشر در شناخت ارزش‌های زیباشناختی، تاریخی، علمی، اجتماعی و غیره می‌باشد (Vecco, 2010, p.323).

منشور بورا که مشتمل بر حفاظت از ارزش‌های معنوی می‌باشد، در سال‌های ۱۹۸۱، ۱۹۸۸ و ۱۹۹۹ در استرالیا اصلاح شد. این منشور ارزش‌های اجتماعی و زیباشناختی را به عنوان بخشی از اهمیت فرهنگی، همان‌طور ارزش‌های معنوی یا میراث فرهنگی ناملموس مورد اشاره یونسکو را به عنوان یک جنبه جدایی‌ناپذیر اهمیت میراث به رسمیت می‌شناسد (Ahmad, 2006, p.298).

در سال ۱۹۸۲ یونسکو «کمیته کارشناسان در حفاظت از فرهنگ قومی را تأسیس کرد و یک «بخش خاص برای میراث ناملموس» را ایجاد کرد، در نتیجه در سال ۱۹۸۹ توصیه‌نامه «حمایت از فرهنگ سنتی و قومی» تصویب شد. این توصیه‌نامه «فرهنگ سنتی و قومی» مورد شناسایی قرار

۱. بخشهایی از اموال ملموس جزء «میراث مشترک بشریت» بوده و از حمایت‌های کنوانسیون‌های لاهه، پاریس و قطب جنوب بر اساس کنوانسیون حقوق دریا برخوردار هستند.

2. Palermo Charter 1990, Tlaxala Declaration 1982, Paris Recommendation 1989, Oaxaca Declaration 1993.

داد و همکاری بین‌المللی را تشویق کرد، اقداماتی را برای شناسایی، حفظ، انتشار و حمایت از آن در نظر گرفت. اهمیت «میراث فرهنگی ناملموس» به عنوان انگیزه اصلی تنوع فرهنگی و ضامن توسعه پایدار در توصیه نامه ۱۹۸۹ یونسکو در مورد حمایت از فرهنگ سنتی و فولکلور، اعلامیه جهانی یونسکو در مورد تنوع فرهنگی (۲۰۰۱م) و اعلامیه استانبول (۲۰۰۲م) «مصوب سومین میزگرد وزیران فرهنگ مورد تأکید قرار گرفته است (چراغچی، ۱۳۸۳، ص ۲۴۹) اهمیت زیاد فرهنگ ناملموس در یونسکو توسط دو برنامه: گنجینه‌های زندگی بشری (۱۹۹۳م) و اعلامیه شاهکارهای میراث شفاهی و ناملموس بشریت (۱۹۹۸م) مشخص شده است (The Interdependency of the Tangible..., 2019).

اعلامیه جهانی یونسکو در مورد تنوع فرهنگی، سند دیگری است که در ۲ نوامبر ۲۰۰۱ تصویب شد، طبق اعلامیه، احترام و توجه به تنوع فرهنگی یکی از ضامن‌های جدی صلح و امنیت در جهان است، همچنین ماهیت عملکرد متوازن اموال ممکن است مربوط به تنوع زیستی باشد. اعلامیه به این واقعیت اشاره دارد تنوع فرهنگی بایستی به خاطر نسل‌های معاصر و آینده تأیید و حمایت شود (Kowalska, 2014, p.81).

کنوانسیون حفاظت از میراث فرهنگی ناملموس (یونسکو، ۲۰۰۳م)، اولین سند الزام‌آور برای گسترش حوزه حمایت بین‌المللی از اموال فرهنگی ناملموس میراث معنوی و شفاهی می‌باشد (The Convention for the Safeguarding..., 2003). تغییر تمرکز حمایت این کنوانسیون، از اشیای فرهنگی به ساختارهای اجتماعی و فرآیند فرهنگی، میراث ناملموس را ایجاد کرده و توسعه داده است. دولت‌ها، طرف قرارداد کنوانسیون باقی می‌مانند اما مخاطبان واقعی آن، جوامع فرهنگی و گروه‌های انسانی هستند که شامل اقلیت‌ها می‌باشند. سنت‌های فرهنگی، هدف واقعی حفاظت بر اساس حقوق بین‌الملل هستند. کنوانسیون حفاظت از میراث فرهنگی ناملموس یونسکو ۲۰۰۳ برای صیانت از میراث فرهنگی ناملموس و مردم بومی به این دلیل پدید آمد که سند چند جانبه الزام‌آوری برای حمایت از میراث فرهنگی ناملموس وجود نداشت، موافقتنامه‌های بین‌المللی، توصیه‌نامه‌ها و قطعنامه‌های موجود مربوط به میراث فرهنگی و طبیعی لازم بود که به‌طور مؤثری توسط مفاهیم و مضامین مقررات جدید مربوط به میراث فرهنگی ناملموس غنی شده و تکمیل شوند. در حالی که چنین موردی در سایر اسناد چند جانبه الزام‌آور برای حفاظت از میراث فرهنگی ناملموس وجود نداشت (Smith and Akagawa, 2009, p.173)؛ بنابراین کنوانسیون میراث

ناملموس (۲۰۰۳م) با صحنه گذاردن بر جنبه ناملموس میراث و به واسطه پایه قراردادن موضوع تنوع فرهنگی جوامع در دوره‌های زمانی و بسترهای مکانی مختلف نشانگر بعد تغییر و قوام می‌باشد (فدایی نژاد و عشرتی، ۱۳۹۳، ص ۷۹).

ماده ۱ کنوانسیون حفاظت از میراث فرهنگی ناملموس یونسکو ۲۰۰۳ به اهداف کنوانسیون می‌پردازد:

الف) حفاظت از میراث فرهنگی ناملموس؛ ب) تضمین احترام به میراث فرهنگی ناملموس جوامع، گروه‌ها و افراد مربوطه؛

ج) ارتقاء آگاهی در سطوح محلی، ملی و بین‌المللی مربوط به اهمیت میراث فرهنگی ناملموس، و تضمین قردانی متقابل؛

د) فراهم کردن همکاری و کمک بین‌المللی (D. Kila, 2015, p.87).

کنوانسیون حفاظت و ترویج تنوع جلوه‌های فرهنگی (The Convention on the Protection and Promotion of the Diversity of Cultural Expressions, adopted on 20 October 2005) سند دیگری است که توسط یونسکو در ۲۰ اکتبر ۲۰۰۵ در جلسه سی و سوم کنفرانس عمومی یونسکو در پاریس تصویب شده است. کنوانسیون حفاظت از میراث فرهنگی ناملموس (یونسکو، ۲۰۰۳م) و کنوانسیون بین‌المللی در حمایت از تنوع مضامین فرهنگی و جلوه‌های هنری (یونسکو، ۲۰۰۵م) بیانگر تعهد به تنوع فرهنگی هستند (Logan, 2015, p.23). اخیراً سازمان ملل متحد در مورد حقوق افراد بومی اعلامیه‌ای (اعلامیه ملل متحد در حقوق مردم بومی) را تصویب کرده است که علت وجودی آن حفاظت و توسعه هویت فرهنگی افراد بومی است که به محیط طبیعی، میراث فرهنگی مادی و معنوی آنها پیوند خورده است.^۱

جالب است اشاره شود جزء ناملموس میراث فرهنگی از حمایت کیفری نیز برخوردار است؛ در طول سال‌های نخست مداخلات یوگسلاوی، کمیسیون حقوق بین‌الملل در گزارش ۱۹۹۱ خود در پیش‌نویس کد جنایات علیه صلح و امنیت اشاره کرد تخریب سیستماتیک بناهای تاریخی، ساختمان‌ها و محوطه‌های با ارزش نمادین بالا برای یک گروه خاص اجتماعی، مذهبی یا فرهنگی

1. United Nations Declaration on the Rights of Indigenous Peoples, GA Res. of 13 September 2007, Sixty-first Session, Supplement No. 53 (A/61/53), especially Articles 11, 12, 13, 14, 15 and 16.

منجر به آزار و اذیت می‌شود. علاوه بر این، کمیسیون حقوق بین‌الملل مثل کمیسیون جنایات جنگی ملل متحد، این تعریف را به اجزاء ناملموس فرهنگی از جمله سرکوب یا حذف زبان، آداب و رسوم مذهبی، و بازداشت یا توقیف رهبران یا جامعه مذهبی تعمیم داد (Vrdoljak, 2011, p.35). ادعا می‌شود که ملاحظات بشردوستانه و حقوق بشری متضمن حمایت از اموال فرهنگی ممکن است بهتر از سایر مقررات حقوق کیفری بین‌المللی کمک کند، به ویژه توسط مقوله جنایت علیه بشریت، همان طور که در رویه قضایی دیوان کیفری بین‌المللی یوگسلاوی سابق نشان داده شد. با ارزش است ذکر شود که مقوله جنایت علیه بشریت نیز می‌تواند برای پیگیری جنایت علیه میراث فرهنگی در زمان صلح مفید باشد. جرم آزار و اذیت، می‌تواند نقش مهمی در تعقیب جرایم گسترده علیه میراث فرهنگی ناملموس ایفاء نماید (Frulli, 2011, p.217).

۳. مقایسه آسیب‌های ناشی از مخاصمه در میراث فرهنگی ملموس و ناملموس

جنگ به مردم آسیب می‌زند و الگوی زندگی آنها را مختل می‌کند، ممکن است این مسأله به ذهن متبادر شود که میراث ناملموس در معرض خطرات کمتری قرار دارند، اما حقیقت این است که تخریب و نابودی میراث معنوی و ناملموس، یک مرگ خاموش و تدریجی است. در حالی که نابودی میراث فرهنگی بسیار نمایان است. در واقع اگر نماد فرهنگی جامعه‌ای فرو ریزد، افکار و اذهان عمومی به سرعت متوجه می‌شوند و مساعدت‌هایی را در حد امکان انجام می‌دهند اما کمتر کسی تخریب یک خلاقیت هنری را می‌بیند (عسگری، ۱۳۹۵، ص ۵۳) این بخش به آسیب‌های جنگ بر میراث فرهنگی اعم از ملموس و ناملموس تمرکز دارد.

۳-۱. آسیب به میراث فرهنگی ملموس

اولین نوع آسیب، «تخریب» است. این نوع از تخریب با تخریب ناشی از پیکار در مخاصمه تفاوت دارد که موجب رهاکردن و نابود شدن اموال به دلیل عدم حفظ آنها می‌باشد. حقوق مخاصمه مسلحانه به صراحت طرفین را از «تخریب» اموال فرهنگی در صورت اشغال نظامی، منع می‌کند و این در واقع قاعده خاصی در مورد اموال فرهنگی است (Christiane Johannot- Gradis, op. cit, p.1266). امروزه این شیوه جنگی «تخریب» توسط گروه‌های پراکنده جغرافیایی

(مثل داعش، طالبان و انصارالدین) دنبال می‌شود. حمله به موزه موصل، تخریب بخشی از محوطه‌های میراث جهانی در «هاترا» و «پالمیرا»، و زیارتگاه‌ها در تیمبوکتو (Timbuktu)، از بین بردن نسخ خطی، ویران کردن مکان‌های عبادی زیارتی در عراق، سوریه، لیبی، تونس و جاهای دیگر از جمله این موارد هستند. در مخاصمات جدید در منطقه منا (Mena) دو شکل تخریب میراث (میراث ملموس و ناملموس) اغلب باهم رخ می‌دهند (Lostal and Cunliffe, 2016, p.1).

نوع دوم آسیب، مربوط به «تغییر کاربری» اموال یا محوطه‌های متعلق به میراث فرهنگی است. نمونه‌هایی از قبیل مسجد ادهنین (Oued Hanin mosque) نزدیک رام الله که به کنیسه تبدیل شد، معابد آنگلور (Angkor temples)، در زمان خیم سرخ به عنوان انبار مورد استفاده قرار گرفت و کلیسای سنت آناستازیا (Saint Anastasia Church) در روستای لاپیتوس (Lapithos village) واقع در قبرس که به هتل تبدیل شد (Johannot-Gradis, 2015, p.1268).

حقوق اشغال نظامی که توسط مقررات لاهه تنظیم شده است، تنها سند رسمی قابل اعمال در این مورد است، در ماده ۵۶ آن، بدون قید و شرط، چنین اقداماتی را که عمدتاً از طریق «تصرف» و «تخریب» صورت می‌پذیرد، ممنوع می‌کند. کنوانسیون ۱۹۵۴ نیروهای اشغالگر را از چنین اقدامی منع کرده است، اما پروتکل دوم، اگر قابل اعمال باشد به‌طور خاص این نوع از تبدیل را ممنوع کرده در حالی که حمایت ارائه شده در اسناد پیشین در این مورد به‌طور ضمنی است. پروتکل ۱۹۹۹ به شکاف آشکار در اعمال حقوق مخاصمات مسلحانه برای چنین موقعیت‌هایی توجه می‌کند. در واقع، ماده ۹ به صراحت در بند (۱) (ب) «هر حفاری باستان‌شناسی» و در بند (۱) (ج) «تخریب» (مدارک و شواهد فرهنگی) را منع می‌کند، در نتیجه حفاظت از میراث فرهنگی در هر دو بُعد ملموس و ناملموس تضمین می‌کند.

میراث فرهنگی نیز ممکن است توسط برداشتن اجزای آن به اشکال مختلف آسیب ببینند. این امر بارها در مخاصمات مسلحانه رخ می‌دهد، زمانی که مقامات ملی اموال فرهنگی را سازمان دهی درستی نمی‌کنند یا حتی عدم وجود سازماندهی مشاهده می‌شود، در چنین وضعیتی غارت و همه اشکال تصرف یا مفقود شدن اموال فرهنگی پیش می‌آید. این اعمال معمولاً با انتقال اموال فرهنگی منقول از کشورهای جنگ‌زده به کشورهای ثالث همراه است، جایی که این اموال فروخته می‌شوند، در نتیجه یک بازار آثار هنری مغایر با حقوق قابل اعمال اعم از ملی و بین‌المللی تقویت

می‌شود (Johannot-Gradis, 2015, p.1269) به عنوان مثال در جریان مخاصمات در سوریه، موزه‌های آن مخصوصاً در ناحیه شمال غربی کشور به طور سیستماتیک غارت شده است (Louise Arimatsu and Mohbuba Choudhury, op. cit, p.665). گزارش‌ها از این کشور نشان می‌دهد مافیای سازمان‌یافته آثار باستانی از کشورهای لبنان، عراق و ترکیه، به شدت مشغول غارت هستند (Tribble, 2015, p.12).

غارت در حقوق مخاصمات مسلحانه در همه موارد درگیری مسلحانه ممنوع است. این ممنوعیت در مورد همه اموال از جمله اموال فرهنگی ملموس اعمال می‌شود. کنوانسیون ۱۹۵۴ لاهه و دو پروتکل الحاقی به آن چنین مواردی را تنظیم می‌کنند. در برخی موارد، ممکن است لازم باشد به اسناد حقوقی دیگر غیر از حقوق مخاصمات مراجعه شود. کنوانسیون ۱۹۷۰ یونسکو و کنوانسیون ۱۹۹۵ یونیدرت گاهی اوقات می‌توانند خلأهای خاصی را در حقوق مخاصمات پر کنند (Johannot-Gradis, 2015, p.1269).

۳-۲. آسیب به میراث فرهنگی ناملموس

میراث فرهنگی ناملموس، نخست و بیش از همه، از طریق «ادراک» توسط مفسرین و حاملین به زندگی وارد می‌شود. چنین افرادی ممکن است بازیگر، موسیقیدان، نویسنده، نقاش یا شاعر، کشیش، رهبران معنوی و روحانیون باشند. حقوق مخاصمات مسلحانه حمایت از «کشیش‌های مذهبی» و فعالیت‌های آنان را، بدون توجه به ماهیت مخاصمه مسلحانه تضمین می‌کند.^۱ اما حقوق مخاصمات مسلحانه ثابت کرده است که نارسایی‌هایی در رابطه با حمایت از فعالیت و عملکرد بازیگران و سازندگان دارد، و حمایت حقوقی لازم بایستی در دیگر متون حقوقی، مانند حقوق بشر بین‌المللی، مخصوصاً میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، همان‌طور کنوانسیون‌های اموال فرهنگی یونسکو دنبال شود (Christiane Johannot-Gradis, op. cit, p.1271).

نمایش اسبک تام (Sbek Thom)^۲ می‌تواند به عنوان مثالی ذکر شود. باتوجه به حقوق

1. see Geneva Convention I, Art. 24; Additional Protocol I, Art. 15 (5) ; Additional Protocol II, Art. 9.

^۲. یک تئاتر کامبوجی بود که در دوران جنگ داخلی در زمان حکومت خمر سرخ در دهه ۱۹۷۰ آسیب زیادی به آن

مخاصمات مسلحانه قابل اعمال در آن زمان، تنها ماده ۳ مشترک در کنوانسیون‌های ژنو می‌توانست در این مورد کاربرد داشته باشد. در حالی که دیگر مبانی حقوقی مانند حقوق بشر بین‌المللی برای حمایت از این عملکردها لازم بود، که حمایت گسترده از آزادی اندیشه، بیان و حقوق فرهنگی به‌طور کلی پیش‌بینی می‌کند. در میان کنوانسیون‌های یونسکو، احتمالاً کنوانسیون ۲۰۰۳ یونسکو در آن زمان می‌توانست قابل اعمال باشد برای اعطای حمایت نه‌تنها برای افراد، بلکه بر دانش و آگاهی که این افراد دارای آن بودند و اقداماتی که برای جان بخشیدن به جزء میراث فرهنگی ناملموس که تئاتر اسبک تام بود، انجام می‌دادند.

دومین عملکرد میراث فرهنگی ناملموس که در مخاصمه مسلحانه می‌تواند آسیب بیند «مشارکت» آزادانه گروه‌ها و جوامع در رویدادهای مربوط به این میراث است. در زمینه درگیری‌های مسلحانه داخلی، حقوق مخاصمه مسلحانه دارای خلأهایی می‌باشد که بایستی با توسل به سایر مقررات قابل اعمال مانند قواعد حقوق بشری پر شود.^۱ مشکلاتی که مردم فلسطین در برگزاری برخی مراسم‌های مذهبی در شهر قدیمی اورشلیم با آن مواجه هستند، مانند مراسمی که در هفته مقدس رخ می‌دهد، مثال واضح از فشارهای نیروهای اشغالی در مشارکت جمعیت مورد بحث در ابراز میراث فرهنگی خویش می‌باشد (Christiane Johannot-Gradis, 2015, p.1272).

حقوق مخاصمات مسلحانه قابل اعمال در شرایط اشغال نظامی یا وضعیت‌های مشابه نیروهای اشغالگر را ملزم می‌کند به آزادی مردم برای عمل به مذهب،^۲ آداب و رسومشان، از جمله جشن‌ها یا آیین‌های متعلق به میراث فرهنگی و معنوی آنها احترام بگذارند.^۳ بسیاری از قواعد حقوق بشری که در هر رویدادی به عنوان قاعده کلی قابل اعمال هستند، همان حقوق مشارکت در چنین مراسمی را تضمین می‌کنند. لازم به ذکر است که دیوان بین‌المللی دادگستری کاربرد چنین قواعدی را در نظر مشورتی خویش در نتایج حقوقی ساخت دیوار در سرزمین فلسطین اشغالی،

وارد شد.

1. Such as freedom of movement (ICCPR, Art. 12) and freedom of assembly (ICCPR, Art. 21).
2. Article 46 of the 1907 Hague Regulations and Article 27 (1) of Geneva Convention IV.
3. Article 27 (1) of Geneva Convention IV , Article 43 and Article 46 (1) of the 1907 Hague Regulations.

همچنین عدم امکان ابطال یا محدودیت این مقررات در پرونده مورد بحث را تأیید کرده است.^۱ نوع سوم آسیب که به طور جدی روی میراث فرهنگی تأثیر می‌گذارد، جلوگیری از انتقال آن به نسل‌های آینده می‌باشد. مانند تئاتر اسبک تام به خاطر ویژگی ناملموس آن تنها می‌توانست از طریق انتقال از یک نسل به نسل بعد باقی بماند. در وضعیت‌های مخاصمه مسلحانه از انتقال میراث فرهنگی ناملموس جلوگیری می‌شود. در جنگ معمولاً زندگی هر فردی دچار نابسامانی می‌شود. حقوق مخاصمات مسلحانه پاسخ خاصی برای مقابله با این آسیب ندارد؛ حمایت از این میراث را باید بیشتر در قواعد حقوق مخاصمات مسلحانه در تضمین احترام به حقوق خانواده، زندگی روزمره، آداب، رسوم و باورها، یا مفهوم و راه‌های آفرینش هنر و صنایع دستی مردم جستجو کرد. مقررات حقوق مخاصمات مسلحانه بیشتر در رابطه با حقوق اشغال نظامی صریح است. در افغانستان در دهه ۱۹۸۰ در زمان اشغال شوروی انتقال آداب و رسوم پیران صوفی به شاگردانشان به واسطه حمایت‌های اعطاء شده توسط قواعد مختلف این متن حقوقی که قابل اعمال در این نمونه بود، میسر شد (Christiane Johannot-Gradis, 2015, p.1273).

در سایر شرایط مخاصمه مانند مخاصمه مسلحانه داخلی وضعیت متفاوت است، بایستی، اذعان کرد که شکاف‌های مشخصی در اسناد حقوقی مربوط به حقوق مخاصمه مسلحانه وجود دارد که در غیر این صورت می‌توانست انتقال مؤثر میراث فرهنگی ناملموس را تضمین نماید. ناپدید شدن تدریجی اجرای مراسم شمن‌ها (Shamans) در جوامع بومی جزیره میندانو (Mindanao Island) در فیلیپین می‌تواند نمونه‌ای از این موارد باشد. به خاطر مخاصمه مسلحانه، برای شمن‌ها امکان دسترسی به جنگل وجود نداشت و آنها نتوانستند برای جستجوی گیاهان مورد نیاز برای مراسم خود به آنجا بروند. در اثر این امر انتقال این دانش به نسل‌های بعد به طور جدی دچار آسیب شد. استفاده از سایر مقررات رژیم‌های حقوقی می‌توانست این اجزاء میراث فرهنگی ناملموس را حفظ کند. چنین مقرراتی، علاوه بر قواعد حقوق بشری قابل اعمال در این شرایط، شامل اسنادی است که هدفشان حفظ میراث فرهنگی ناملموس است مانند مقررات کنوانسیون ۲۰۰۳، همان طور برخی از مقررات کنوانسیون سازمان بین‌المللی کار ۱۹۸۹ شماره ۱۶۹ و احتمالاً اسنادی که جزئیات آنها در رابطه با سازمان مالکیت معنوی جهانی در جریان است

1. ICJ, Legal Consequences of the Construction of a Wall in the Occupied Palestinian Territory, Advisory Opinion, 9 July 2004, paras 108, 112.

و برای حمایت از جلوه‌های فرهنگی سنتی، دانش سنتی و منابع ژنتیکی در نظر گرفته شده‌اند (Christiane Johannot-Gradis, 2015, p.1274).

نتیجه

مخاصمات مسلحانه اخیر - مانند درگیری در کشور مالی، که در آن حمله به مقبره‌های تیمبوکتورا نمی‌توان از ممانعت در اجرای مراسمی که در آنجا برگزار می‌شود جدا کرد - به‌خصوص ویژگی چند بعدی میراث فرهنگی را نشان می‌دهد، اگرچه برتری بعد ملموس یا ناملموس از یک مورد به مورد دیگر متفاوت است، حمایت حقوقی که در چنین موقعیت‌هایی قابل اعمال است نمی‌تواند به میراث فرهنگی ارائه شود، بنابراین به یک یا چند جزء آن محدود می‌شود. حقوق مخاصمات مسلحانه تنها اندکی از طریق سیستم کنوانسیون ۱۹۵۴ و دو پروتکل‌های آن این نیاز را برآورده می‌کند که هدف اصلی آن تضمین حفاظت از اموال فرهنگی ملموس است؛ حمایت از میراث فرهنگی ناملموس که این اسناد تجویز می‌کنند در بهترین حالت ضمنی یا غیرمستقیم است. حقوق مخاصمات مسلحانه، حقوق خاص در این شرایط نیست. در واقع، مقررات مختلفی از کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو ۱۹۴۹ افراد را از نظر سلامت جسمی و کرامت انسانی به ویژه هویت فرهنگی و معنوی حمایت می‌کنند که به تضمین حمایت از میراث فرهنگی «زنده» جمعیت مورد نظر کمک می‌کند، که میراث فرهنگی ناملموس آنها را تشکیل می‌دهد.

این قواعد همیشه به اندازه کافی دقیق نیستند که بهترین حمایت را به میراث فرهنگی ناملموس در خطر بدهند، در واقع، حمایتی که آنها ارائه می‌دهند برخی مواقع فقط استنباط می‌شود، و آن نیز اغلب از تفسیر موسع در مقررات مورد بحث ناشی می‌شود، که هدفشان بیشتر، تضمین احترام به کرامت انسانی است. علاوه بر این، برخی از مقررات می‌توانند در زمان اشغال نظامی مورد استناد قرار بگیرند. مخاصمات مسلحانه داخلی واقیعت آن متفاوت است، اغلب تنها ماده ۳ مشترک و مقررات مربوط به حقوق مخاصمات مسلحانه در این مورد قابل اعمال هستند (از دید قواعد عرقی) بنابراین توسل به حمایت سایر رژیم‌های حقوقی، مانند حقوق بشر بین‌المللی و کنوانسیون‌های مختلف یونسکو، بایستی در این شرایط ارائه شود، و استناد به قابلیت اعمال این قواعد به‌نظر می‌رسد به دو صورت ممکن و ضروری باشد. در واقع، اجرای آنها، حقوق مخاصمات مسلحانه را تکمیل می‌کند، و حمایت مؤثر از میراث فرهنگی، هر دو بعد ملموس و ناملموس را،

در موقعیت مخاصمه مسلحانه تضمین می‌کند.

حمایت از میراث فرهنگی ناملموس توسط کنوانسیون ۲۰۰۳ و سایر اسناد حقوقی در این زمینه، نشان دهنده به رسمیت شناختن جامعه بین‌المللی از وجود حقوقی است که از این میراث صیانت می‌کند. با این وجود، الحاق شمار زیادی از دولت‌ها به این اسناد حقوقی چالش کاربرد آنها را نفی نمی‌کند، و تخریب اخیر میراث فرهنگی سوریه و عراق مسئله‌ای که باید مورد توجه قرار بگیرد و تاکنون به آن پاسخی داده نشده است.

منابع

۱. ایوبی، رضا، زهره یادگاری و شهاب افاضت؛ «آسیب‌شناسی میراث زبانی از طریق بازشناسی جایگاه و عملکرد آن در میراث فرهنگی»، دوفصلنامه علمی - پژوهشی مرمت و معماری ایران؛ ش ۱۱، بهار و تابستان ۱۳۹۵، ص ۲۹-۴۰.
۲. چراغچی، سوسن؛ «کنوانسیون حفاظت از میراث فرهنگی ناملموس»، مجله اثر؛ ش ۳۶ و ۳۷، تابستان ۱۳۸۳، ص ۲۴۵-۲۵۸.
۳. حسینی اکبرنژاد، حوریه؛ «تکامل مفهوم "کارکردی" اموال فرهنگی در پرتو انسانی‌تر شدن حقوق بین‌الملل»، مجله پژوهش‌های حقوقی؛ ش ۲۰، پاییز ۱۳۹۰، ص ۲۴۷-۲۶۰.
۴. رحیم‌نیا، رضا، مهران قرائتی و علی زمانی‌فرد؛ «کاربرد نظریه زمینه‌ای در پژوهش‌های مرتبط با دانش بومی حفاظت؛ رویکردی برای پاسداشت میراث فرهنگی ناملموس»، دوفصلنامه دانش‌های بومی ایران؛ ش ۴، پاییز و زمستان ۱۳۹۴، ص ۱۴۳-۱۷۵.
۵. فدائی‌نژاد، سمیه و پرستو عشرتی؛ «واکاوی مؤلفه‌های علمی بازشناخت اصالت در حفاظت میراث فرهنگی»، نشر هنرهای زیبا - معماری شهرسازی؛ ش ۴، زمستان ۱۳۹۳، ص ۷۷-۸۶.
۶. نعیمی، امیر، روح‌اله رضایی و سیده کوثر موسی‌پور؛ «میراث کشاورزی: راهبرد تحقق پایداری محیط زیستی در مناطق گردشگری روستایی (مطالعه موردی روستاهای بخش مرکزی باغملک و ایزه استان خوزستان)»، فصلنامه علمی - پژوهشی آموزش محیط زیست و توسعه پایدار؛ ش ۳، بهار ۱۳۹۷، ص ۹-۲۲.
7. Ahmad, Yahaya; "The Scope and Definitions of Heritage: From

- Tangible to Intangible”, **International Journal of Heritage Studies** 12 (3); May 2006.
8. Arimatsu, Louise & Choudhury, Mohbuba; “Protecting Cultural Property in Non-International Armed Conflicts: Syria and Iraq”, 91 **INT’L L. STUD.** 641; 2015.
 9. Berryman A. Cathryn, Cabaniss Johnston, Gardner Dumas & O’ Neal; “Toward More Universal Protection of Intangible Cultural Property”, **Journal of Intellectual Property Law** 1 (2); 1994.
 10. D. Kila , Joris; “Crimes against cultural property in the context of contemporary armed conflicts”, 2015, 2174-8063.
 11. Frigo, Manlio; “Cultural property v. cultural heritage: A battle of concepts in international law”, **ICRC** 86, The Library & Research Service, 2004.
 12. Frulli, Micaela; “The Criminalization of Offences against Cultural Heritage in Times of Armed Conflict: The Quest for Consistency”, **The European Journal of International Law** 22 (1); 2011.
 13. Kowalska, Samanta; “Legal Protection of the Intangible Cultural Heritage”, **Societas et Iurisprudentia** II.(3), 2014.
 14. Vrdoljak, Ana Filipa; “Genocide and Restitution: Ensuring Each Group’s Contribution to Humanity”, **The European Journal of International Law** 22 (1); 2011.
 15. Dallen J. Timothy and Gyan P. Nyaupane (eds.); **Cultural Heritage and Tourism in the Developing World a regional perspective**, NY: Routledge, 2009.
 16. Laurajane, Smith & Natsuko Akagawa (eds.); **Intangible**

Heritage, NY: Routledge, 2009.

17. Johannot-Gradis, Christiane; “Protecting the past for the future: How does law protect tangible and intangible cultural heritage in armed conflict?”, **International Review of the red cross** 97; 2015, 1253-1275.
18. Vecco, Marilena; “A definition of cultural heritage: From the tangible to the intangible”, **Journal of Cultural Heritage** 11; 2010, 321-324.
19. Logan, William; “Cultural diversity, cultural heriage and human rights: to wards heritage management as human rights based - cultural practice”, **Deakin universitys Research Repository**; 2015, 19-32
20. Lostal, Marina & Cunliffe, Emma; “The aftermath of destruction of cultural heritage: factoring in cultural rights in post-conflict recovery processes”; **UN Human Rights Office of the High Commissioner**, 2016, 1-8
21. “Promotion and protection of all human rights, civil, political, economic, social and cultural rights, including the right to development”, Human Rights Council Thirty-first session, 3 February 2016.
22. Bhat, P.Ishwara; “Protection Of Cultural Property Under International Humanitarian Law: Some Emerging Trends”, **ISILYBIHRL** 4; 2001, available at: <www.worldlii.org/int/journals/ISILYBIHRL/2001/4.html>.
23. Law as a mean of International cooperation for the protection of Cultural Heritage”, **OHCHR**; available at: <www.ohchr.org>.

org/Documents/Issues/CulturalRights/DestructionHeritage>

24. “Strategy for Reinforcing UNESCO’s Action for the Protection of Culture and the Promotion of Cultural Pluralism in the Event of Armed Conflict”, 2019, available at: <en. unesco. org/system/files/unesco>.
25. “The interdependency of the tangible and intangible cultural heritage”; ICOMOS 14th General Assembly and Scientific Symposium, 2019.
26. Tribble, Jennifer; “Antiquities Trafficking and Terrorism: Where Cultural Wealth, Political Violence and Criminal Networks Intersect”, 2015.
27. The Convention for the Safeguarding of Intangible Cultural Heritage was adopted by the UNESCO General Conference on 17 October 2003 and entered into force on 20 April 2006.
28. ICJ, Legal Consequences of the Construction of a Wall in the Occupied Palestinian Territory, Advisory Opinion, 9 July 2004, paras 108, 112 .